

عضویت ایران در اوپک: بودن یا نبودن



شهرزاد برومند جزئی*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سازمان کشورهای تولیدکننده نفت (اوپک) در سال ۱۹۶۰ با پیشنهاد ونزولا تأسیس شد. دولتهای عضو اوپک در بدو تأسیس عبارت بودند از: ایران، عربستان، ونزولا، کویت و عراق. اوپک به هنگام تأسیس ۶۷ درصد ذخایر نفت جهانی، ۳۸ درصد تولید جهانی نفت و ۹۰ درصد بازار جهانی را در اختیار داشت. اوپک به منظور تثبیت بازار نفت، از ابتدای دهه ۱۹۸۰، به طور متناوب بر روی دو استراتژی؛ حمایت از قیمت و حمایت از بازار، سیاستگذاری کرده است. استراتژی حمایت از قیمت؛ به معنای کنترل مدیریت تولید است. اتخاذ این استراتژی، سبب از دست رفتن سهم این کشورها در بازار نفت گردیده است. اتخاذ استراتژی حمایت از بازار، منجر به کاهش چشمگیر درآمد نفتی کشورهای تولیدکننده (کاهش قیمت) و بالاخره، به دست آوردن سهم بیشتری از بازار می شود. اوپک در طی بیست سال گذشته از یک

*. دکتر شهرزاد برومند جزئی؛ عضو هیأت علمی پژوهشگاه امور اقتصادی.

استراتژی میانه پیروی کرده است. اعمال این استراتژی ثبات نسبی درآمد کشورهای تولیدکننده عضو اوپک را دربرداشته است؛ اما از سویی بی‌ثباتی مداوم در بازار جهانی را تشدید کرده است.

در این نوشتار سعی خواهیم کرد به چشم‌انداز کوتاه‌مدت و میان‌مدت اوپک و چالشهایی که این سازمان با آن مواجه است، بپردازیم؛ سپس جایگاه اوپک در بازار جهانی و نقش آن در امنیت عرضه نیز، مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و در پی آن؛ راهبردهای بلندمدت ایران و سرانجام ایران و دبیرکلی اوپک مورد بحث قرار می‌گیرند.

کلید واژه‌ها:

اوپک، تاریخچه اوپک، ایران، عضویت در اوپک، تولید نفت، صادرات نفت



ژرفشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مروری بر تاریخچه اوپک

پیدایش سازمان کشورهای تولیدکننده نفت (اوپک)، واکنش سیاسی و ضداستعماری دول در حال توسعه تولیدکننده نفت در برابر سیاستها و ترفندهای بیدادگرانه شرکتهای چندملیتی بود^۱. در سال ۱۹۴۷ میان ایران و ونزوئلا - دو کشور عمده تولیدکننده نفت - پیمانی در زمینه هماهنگی سیاستهای نفتی منعقد گردید. عقد این پیمان درست زمانی شکل گرفت که ایران درگیر مذاکره با شرکت نفتی ایران و انگلیس و قرارداد نفتی خود بود. دولت ونزوئلا که با افزایش مالیات بر فعالیتهای شرکتهای نفتی، مبارزه‌ای گسترده را با کارتل‌ها آغاز نموده بود، در سپتامبر ۱۹۴۷، نمایندگانی را به سوی ایران، عراق، عربستان سعودی و کویت روانه نمود، تا زمینه همکاری متقابل و اقدام مشترک را ایجاد نماید.

در سال ۱۹۵۹، هنگامی که غولهای نفتی، بهای نفت ونزوئلا و خاورمیانه را به شکل یک جانبه کاهش دادند، ضرورت اقدام همکاری مشترک و وحدت سیاسی بین صادرکنندگان نفت بیش از پیش الزام آور شد. کاهش ناگهانی بهای نفت در اوت ۱۹۶۰ توسط کارتل‌ها، سبب گردید که عراق به بهانه زیان ۹۳ میلیون دلاری، که کشورهای تولیدکننده نفت متحمل شده بودند، ایران، عربستان، ونزوئلا و کویت را برای شرکت در یک اجلاس، دعوت نماید. کنفرانس بغداد - که بین ۱۰ تا ۱۴ سپتامبر سال ۱۹۶۰ برپا گردید - زمینه پیدایش سازمانی دائمی و بین‌الدول نفتی به نام «اوپک» را فراهم ساخت؛ سازمانی که به هنگام تأسیس ۶۷ درصد ذخایر نفت جهانی، ۳۸ درصد از کل تولید جهانی نفت و ۹۰ درصد بازار جهانی را در اختیار داشت.^۲ تاریخ پژوهی سازمان اوپک، نمایشگر سه برشگاه اساسی در روند تحولات قدرتی اوپک است: دوران آمادگی برای جهش (سالهای دهه ۶۰ میلادی) که توان اوپک در سیاست جهانی نفت محدود

۱. ناصر فرشادگهر، بررسی قدرت اوپک در سیاست جهانی نفت، (تهران، دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۴).

۲. فواد روحانی، تاریخ اوپک، ترجمه منوچهر روحانی، (تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۴)، ص ۱۰۳.

بود و سازمان بیشتر در تلاش برای اعلام موجودیت و اثبات گام برمی داشت. دوران شکوفایی اوپک، یعنی دهه ۷۰ میلادی که قدرت اوپک در سیاست جهانی افزایش یافت و دوران نشیب (سالهای دهه میلادی) که دوران رکود تصمیم گیریه‌ها، وحدت، همگرایی و نزول نقش اوپک در بازار جهانی نفت بود.^۱

از ابتدای دهه ۱۹۸۰ میلادی، اوپک در تلاش برای جستجوی راهی جهت تثبیت بازار نفت بوده است و در این بیست و چند سال گذشته، همواره به طور متناوب دو استراتژی حمایت از قیمت و یا حمایت از بازار را سیاستگذاری کرده است؛ استراتژی حمایت از قیمت به معنای کنترل و مدیریت تولید است که اتخاذ این استراتژی سبب از دست رفتن سهم این کشورها در بازار نفت گردیده است و استراتژی حمایت از بازار که سیاست قیمت متغیر در محدوده خاص را در بردارد و اتخاذ آن منجر به کاهش چشمگیر درآمد نفتی کشورهای تولیدکننده عضو این سازمان شده است. تجربه گذشته در مورد اجرای دو استراتژی فوق نشان داده است که در درازمدت هر دوی آنها منجر به کاهش چشمگیر درآمد نفتی کشورهای تولیدکننده عضو این سازمان شده است. اوپک طی بیست سال گذشته سعی کرده است از یک استراتژی میانه پیروی کند. اعمال این استراتژی ثبات نسبی درآمد کشورهای تولیدکننده عضو اوپک را سبب گردیده است اما، از طرفی چنین استراتژی، بی ثباتی مداوم در بازار جهانی نفت را تشدید کرده است. در این نوشتار ابتدا چشم انداز کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت اوپک مورد مطالعه قرار می گیرد. سپس به جایگاه اوپک در بازار جهانی و نقش آن در امنیت عرضه می پردازیم. پس از آن جایگاه ایران در اوپک و راهبردهای بلندمدت آن نیز بررسی خواهد گردید و سرانجام بحث را با دبیرکلی اوپک به انتها رسانیده و در انتهای بحث پیشنهاداتی را ارائه خواهیم نمود.

۱. چشم انداز کوتاه مدت و میان مدت اوپک و چالشهایی که این سازمان با آن روبروست

آمار و ارقام نشان می دهد که تقاضا برای نفت اوپک در چشم انداز کوتاه مدت و میان مدت روند نزولی را طی خواهد کرد. از دلایل عمده کاهش تقاضا برای نفت، رکود اقتصاد جهانی در چهار سال گذشته است. تقاضا برای نفت اوپک در فاصله سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳، به طور متوسط ۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است.^۱ اغلب برآوردها نشان می دهد که تقاضا برای نفت اوپک در سال ۲۰۰۴ برای پنجمین سال پیاپی کاهش خواهد یافت و چون کشورهای غیرعضو تولید خود را افزایش میدهند لذا تقاضا برای نفت اوپک افزایش نخواهد یافت و به عبارتی تقاضا برای نفت اوپک در میان مدت به پایین ترین سطح خود طی ۱۲ سال گذشته خواهد رسید.

۲. چشم انداز بلند مدت اوپک

نظام فعلی سهمیه بندی تولید که بر پایه آمار قدیمی ظرفیت تولید کشورهای عضو استوار است، غیر قابل قبول و نامطلوب است و سبب تخلفهایی از سهمیهها خواهد شد.

براساس پیش بینیهای اداره اطلاعات انرژی آمریکا از وضعیت انرژی؛ اوپک باید تولید خود را در سال ۲۰۱۰ به ۳۶ میلیون بشکه در روز، در سال ۲۰۲۰ به ۵۰ میلیون بشکه در روز و در سال ۲۰۳۰ به ۶۵ میلیون بشکه در روز برساند تا تعادل بازار در آینده حفظ گردد.

«دکتر مایکل آر. اسمیت» رئیس شرکت انرژی فایلز در مورد آینده عرضه جهانی

۱. نورالدین آیت لئوسین وزیر سابق انرژی الجزایر در بیست و پنجمین همایش اکسفورد در سپتامبر ۲۰۰۲ - مجله تحقیقات اقتصادی خاور میانه (میس) برگردان محمد حسن نیا - سماکوش - همشهری، ۱۳ آبان ۱۳۸۲.

نفت اعلام میدارد: «نتیجه گیری یکی از تحقیقات وسیعی که شرکت انرژی فایلز درباره منابع بالقوه انجام داده، نشان می دهد که ذخایر و منابع شناخته شده و در حال اکتشاف دنیا نمی تواند سطح تولیدی، حدود $۷۳/۶$ میلیون بشکه در روز، در سال ۲۰۰۲ را تا بعد از سال ۲۰۲۰ تأمین کند.»^۱

وی افزود: «بایک درصد رشد تقاضا در سال ۲۰۱۶، تولید نفت به $۸۴/۶$ میلیون بشکه در روز، با ۲ درصد رشد تقاضا، تولید به $۸۹/۷$ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۲ و با سه درصد رشد تقاضا، تولید به ۹۰ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۱ میلادی می رسد اما عرضه نمی تواند با رشد مورد نیاز بعد از سال ۲۰۰۸ رقابت کند. همچنین وی می افزاید که در طول بیست و پنج سال اول قرن جاری، ما شاهد شروع پایان دوره نفت خواهیم بود.

آژانس بین المللی انرژی (IEA)^۲ در سال ۲۰۰۱ پیش بینی کرد که تقاضا برای نفت تا سال ۲۰۲۰، به ۱۱۹ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. در صورتی که شرکت انرژی فایلز پیش بینی می کند که سطح ۱۱۹ میلیون بشکه در روز، تقاضایی دست نیافتنی است. با رسیدن به اوج تقاضا، قیمت های نفت به سرعت افزایش خواهد یافت تا حدی که استفاده از نفت در بسیاری از وسایل، غیراقتصادی خواهد بود، رشد اقتصاد جهانی آسیب خواهد دید، تقاضای انرژی تنزل خواهد کرد، اما کاهش تولید نفت در این زمان دائمی خواهد بود.

آژانس بین المللی انرژی نیز پیش بینی کرده است که با رشد سالانه $۱/۶$ درصد - از ۷۵ میلیون بشکه در روز - در سال ۲۰۰۰ به ۸۹ میلیون بشکه در روز، در سال ۲۰۱۰ و ۱۲۰ میلیون بشکه در روز، در سال ۲۰۳۰ میلادی می رسد. از آنجایی که منطقه خاورمیانه بیشترین ذخایر نفت و کم هزینه ترین آنها را در

۱. همشهری، بیست و هشتم مهر ماه ۱۳۸۲، ص ۱۳.

2. International Energy Agency (IEA).

اختیار دارد، این منقطه با دو سوم افزایش تولید؛ از ۲۱ میلیون بشکه تا ۵۱ میلیون بشکه در روز را در این دوره به عهده خواهدداشت.

اما با نگاهی واقع‌بینانه، به نظر می‌رسد که پیش‌بینیهای فوق بسیار خوش‌بینانه برآورد شده‌است. یک برآورد هم، جایگزین رشد تقاضای انرژی را در هر سال ۳/۱ درصد فرض می‌کند و تقاضا برای نفت اوپک را در سال ۲۰۱۵، ۳۰ میلیون بشکه تخمین می‌زند؛ که این رقم از ظرفیت تولیدی اوپک در سال ۲۰۱۰ حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز کمتر است؛ این به شرطی است که اولاً تولید نفت عراق در سال ۲۰۱۰ از ۶ میلیون بشکه در روز فراتر نرود و ثانیاً عراق به عضویت سازمان اوپک درآید و تولید خود را براساس سهمیه تعیین شده تنظیم نماید.

اما با توجه به وضعیت عراق پس از دوازده سال تحریم اقتصادی، سه بار جنگ و انفجارهای اخیر لوله‌های نفتی این کشور و نیاز شدید مالی برای بازسازی، می‌توان پیش‌بینی کرد که عراق عضویت در اوپک را نمی‌پذیرد و سهمیه خود را افزایش خواهد داد.

جایگاه اوپک در بازار جهانی و نقش آن در امنیت عرضه

از بدو تأسیس اوپک، به‌ویژه بعد از افزایش قیمت نفت خام در سال ۱۹۷۴، این سؤال همواره برای کارشناسان مسائل نفتی مطرح بوده است که آیا اوپک ابزارهای مناسبی در اختیار دارد تا بتواند بحرانهای حاصل از تغییرات عرضه و قیمت را به نحو مناسبی مدیریت کند؟

تأمین امنیت عرضه نفت خام، مهمترین هدف سیاستهای بین‌المللی انرژی در کشورهای پیشرفته صنعتی است. در کمتر موردی کشورهای پیشرفته صنعتی تا بدین اندازه با یکدیگر به توافق رسیده‌اند و در راه تحقق آن تشریک مساعی نموده‌اند. بدین جهت، در سال ۱۹۷۴ و بعد از اولین شوک نفتی، آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) به

منظور تدوین سیاستهای هماهنگ انرژی برای تأمین امنیت عرضه و کمک به کشورهای صنعتی پیشرفته، در جهت مقابله با آثار منفی قیمت‌های بالاتر نفت خام تأسیس شد.

سهم بسیار بالایی از ذخایر نفت جهان در کشورهای در حال توسعه که نیاز آنها به مصرف نفت خام بسیار کم است، قرار دارد، اما کشورهای صنعتی پیشرفته که وابستگی بسیار شدیدی به نفت خام دارند؛ یا فاقد ذخایر نفت بوده و یا میزان ذخایرشان بسیار اندک است.

جدول شماره ۱. ذخایر و تولید در حوزه‌های اصلی مصرف نفت خام

پایان سال ۲۰۰۰

مصرف	تولید	ذخایر	
۲۵/۶	۹/۸	۲/۸	ایالات متحده آمریکا
۲۱/۴	۹/۲	۱/۹	اروپا
۷/۲			ژاپن
۵۴/۲	۱۹	۴/۷	جمع
۶۲/۵	۲۸/۱	۸	OECD

منبع: سالنامه آماری BP (ژوئن ۲۰۰۱)

بنابر جدول (۱) مشاهده می‌شود که آمریکا بیش از ۲۵ درصد نفت تولیدی جهان را مصرف می‌کند، در حالی که کمتر از ۳ درصد ذخایر نفت جهان را دارا است، اروپا با کمتر از ۲ درصد ذخایر نفت جهان، بیش از ۲۱ درصد مصرف جهانی نفت خام را به خود اختصاص داده است، اما ژاپن با بیش از ۷ درصد مصرف نفت خام، اساساً فاقد ذخایر نفت است. کشورهای صنعتی OECD با حدود ۸ درصد از ذخایر نفت جهان، بیش از ۶۲ درصد نفت خام تولید شده در جهان را مصرف می‌کنند.

جدول شماره (۲) حوزه‌های اصلی ذخایر بزرگ نفت را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. تولید و مصرف در حوزه‌های اصلی ذخایر نفت پایان سال ۲۰۰۰

مصرف	تولید	ذخایر	
۲۵/۶۶/۵	۹/۸۴۱/۵	۷۷/۸	اوپک
۲۱/۴۵/۹	۳۱	۱/۹۶۵/۲	خاورمیانه
۴/۲	۲۹/۵	۶۴/۷	خلیج فارس

BP Statistical Review of Energy World

منبع: سالنامه آماری BP (ژوئن ۲۰۰۱)

کشورهای عضو اوپک، با ۸۱۴ میلیارد (هزار میلیون) بشکه، حدود ۷۸ درصد ذخایر نفت جهان را که بالغ بر ۱۰۴۶ میلیارد بشکه است، به خود اختصاص داده‌اند. جدول شماره (۳) ترکیب کشورهای عضو اوپک را مورد بررسی قرار می‌دهد.

جدول ۳. ذخایر و تولید و مصرف در کشورهای عضو اوپک

پایان سال ۲۰۰۰

ردیف	نام کشور	ذخایر	تولید	به درصد
۱	عربستان	۲۵	۱۲/۲	۱/۸
۲	عراق	۱۰/۸	۳/۶	کمتر از ۰/۰۵
۳	امارات	۹/۳	۳/۲	۰/۴
۴	کویت	۹/۲	۲/۹	۰/۲
۵	ایران	۸/۶	۵/۲	۱/۶
۶	ونزوئلا	۷/۳	۴/۶	۰/۶
۷	لیبی	۲/۸	۲	کمتر از ۰/۰۵
۸	نیجریه	۲/۲	۲/۹	کمتر از ۰/۰۵
۹	قطر	۱/۳	۱	کمتر از ۰/۰۵
۱۰	الجزایر	۰/۹	۱/۹	۰/۲
۱۱	اندونزی	۰/۵	۱/۹	۱/۵
۱۲	جمع اوپک	۷۷/۸	۴۱/۵	۶/۵

BP Statistical Review of Energy World

منبع: سالنامه آماری BP (ژوئن ۲۰۰۱)

از دیدگاه کشورهای صنعتی واردکننده نفت خام و شرکتهای نفتی بزرگ بین‌المللی، مرکز ثقل قدرت در اوپک، کشورهایی هستند که اولاً: دارای ذخایر بزرگ نفت هستند؛ ثانیاً: تولیدات آنها قابل ملاحظه است؛ ثالثاً: مصرف داخلی کمتری دارند. بنابراین، قدرت اوپک به ترتیب در شش کشور عربستان، عراق، امارات، کویت، ایران و ونزوئلا متمرکز است.

سهم این کشورها در تولید نفت خام جهان در حدود $31/8$ درصد است، در حالی که سایر کشورهای عضو اوپک فقط $9/7$ درصد از تولید نفت خام جهان را در اختیار دارند.

ذخایر نفت خلیج فارس، بیش از 99 درصد ذخایر نفت خاورمیانه است و تولید نفت خام در خلیج فارس، بیش از 95 درصد تولید خاورمیانه را تشکیل می‌دهد.

جدول ۴. ذخایر و تولید و مصرف در کشورهای خاورمیانه

واحد به درصد

پایان سال ۲۰۰۰

نام کشور	ذخایر	تولید	مصرف
عربستان	۲۵	۱۲/۲	۱/۸
عراق	۱۰/۸	۲/۶	کمتر از ۰/۰۵
امارات	۹/۲	۲/۲	۰/۴
کویت	۹/۲	۲/۹	۰/۲
ایران	۸/۶	۵/۲	۱/۶
پنج کشور اصلی خلیج فارس	۶۲/۹	۲۷/۲	۴
قطر	۱/۲	۱	کمتر از ۰/۰۵
عمان	۰/۵	۱/۲	کمتر از ۰/۰۵
بحرین	کمتر از ۰/۰۵	۰/۱	کمتر از ۰/۰۵
خلیج فارس	۶۴/۷	۲۹/۶	۴/۱
سوریه	۰/۲	۰/۸	کمتر از ۰/۰۵
یمن	۰/۴	۰/۶	کمتر از ۰/۰۵
سایر کشورهای خاورمیانه (اردن، لبنان و اسرائیل)	کمتر از ۰/۰۵	کمتر از ۰/۰۵	۱/۸
خاورمیانه	۶۵/۲	۲۱	۵/۹

منبع: «اوپک و منافع ملی»، فصلنامه مجنس و پژوهش، شماره ۳۴، ص ۱۹۸.

همان‌گونه که از جدول شماره (۴) استنباط می‌گردد، نقش خلیج فارس در بازار جهانی نفت، عمدتاً در نقشی که مجموعه پنج کشور اصلی آن یعنی عربستان، عراق، امارات، کویت و ایران ایفا می‌کنند، خلاصه می‌شود.

ذخایر نفت این پنج کشور، در مجموع بیش از ۹۷ درصد ذخایر خلیج فارس را تشکیل می‌دهد. حجم تولیدات نفت خام در این پنج کشور، بالغ بر ۹۲ درصد تولیدات در خلیج فارس است. بنابراین بازار جهانی نفت، وابستگی بسیار شدیدی به عرضه بلندمدت نفت خام پنج کشور اصلی حوزه خلیج فارس دارد. اما زمینه‌های بسیار حساس اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، نظیر مسائلی عمومی پیرامون توسعه نیافتگی و رشد جمعیت، پیامدهای مسائل اعراب و اسرائیل و ساختارهای ناپایدار اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت در حوزه خلیج فارس این کشورها را در معرض ظهور تحولات سیاسی؛ غیرقابل پیش‌بینی کرده است. با توجه به موارد فوق، کشورهای پیشرفته صنعتی همواره در صدد تنوع بخشی به عرضه نفت خام برای تأمین امنیت عرضه بوده‌اند، به طوری که شرکتهای نفتی بزرگ به زودی دریافتند که فقط از طریق افزایش تولید در کشورهایی که ذخایر عظیم نفتی با هزینه‌های پایین تولید دارند - کشورهای خلیج فارس - می‌توان جوابگوی افزایش شدید تقاضا بود. از این رو سهم خلیج فارس در تولید جهانی نفت از ۶ درصد در سال ۱۹۴۰، به ۳۰ درصد در سال ۱۹۶۰ (سال تأسیس اوپک) افزایش یافت. حال آنکه سهم آمریکای شمالی در همین دوره از ۷۳ درصد به ۴۳ درصد افت کرد. روند فوق به مدت پانزده تا بیست سال ادامه داشت؛ با این تفاوت که سیاستهای تنوع بخشی به منابع عرضه، موجب افزایش تولید در حوزه‌های جدید شد.

سیاست تنوع بخشی منابع عرضه، پس از سال ۱۹۷۵ شدت گرفت. سهم نفت تولید شده در اروپا - که در سال ۱۹۴۰ صفر درصد تولید جهانی بود - در سال ۱۹۶۰ به ۲ درصد افزایش یافت، و در سال ۱۹۹۰ به ۶/۸ درصد رسید در سال ۲۰۰۰ سهم نفت

تولید شده در اروپا به ۹/۲ درصد تولید جهانی رسید؛ همچنین، در جهت سیاست تنوع بخشی به منابع عرضه، سهم آسیا - پاسیفیک در تولید جهانی نفت از ۳ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۵ درصد در سال ۱۹۷۵ افزایش یافت و در سال ۱۹۹۰، به ۱۰/۲ درصد و در سال ۲۰۰۰، به ۱۱ درصد رسید.^۱

نکته قابل توجه این است که با وجود ذخایر عظیم نفت در خلیج فارس (خاورمیانه) سهم این منطقه در تولید جهانی نفت، از ۴۷ درصد در سال ۱۹۷۵، به ۲۶/۷ درصد در سال ۱۹۹۰ و ۳۰ درصد در سال ۲۰۰۰ کاهش یافت.^۲

بنابراین می توان نتیجه گرفت که سیاست تنوع بخشی عرضه - در جهت کاهش وابستگی کشورهای صنعتی به عرضه نفت خام - از خلیج فارس آغاز گردیده است.

جدول ۵. تنوع بخشی به منابع عرضه

نام کشور	۱۹۴۰	۱۹۶۰	۱۹۷۵	۱۹۹۰	۲۰۰۰
آمریکای شمالی	۷۳	۴۳	۲۴	۲۱/۷	۱۸/۵
آمریکای لاتین	۱۷	۲۱	۱۰	۷/۲	۱۰
اروپای غربی	۲	۱	۶/۸	۹/۲	
آفریقا		۲	۱۲	۱۰/۱	۱۰/۵
آسیا - پاسیفیک	۴	۳	۵	۱۰/۲	۱۱
خاورمیانه (خلیج فارس)	۶	۳۰	۴۷	۲۶/۸	۲۰

BP Statistical Review of EnergyWorld

منبع: سالنامه آماری BP (ژوئن ۲۰۰۱)

۱. مستعود درخشان، «اویک و منافع ملی»، مجلس و پژوهش، شماره ۳-۴، ص ۱۹۸.

۲. همان.

شایان ذکر است که هزینه‌های اکتشاف و تولید نفت خام در کشورهای خلیج فارس، در مقایسه با تمام حوزه‌های شناخته شده نفت در جهان کمترین میزان هزینه ممکن است. این هزینه‌ها از حدود نیم دلار، تا ۳ دلار در هر بشکه تغییر می‌کند. در مقایسه این ارقام با هزینه تولید در دریای شمال - انگلستان و نروژ که به طور متوسط بیش از هشت دلار است - مزیت مطلق اقتصادی بهره برداری از میادین خلیج فارس به لحاظ هزینه تولید کاملاً روشن است.

با توجه به معیار هماهنگی حجم ذخایر و تولید؛ عدم تناسب بسیار جدی میان تولیدات در آمریکا، اروپا و OECD با سطح تولیدات در اوپک، خلیج فارس و پنج کشور اصلی خلیج فارس، وجود دارد؛ به گونه ای که اصلاح این بی تناسبی، مستلزم کاهش بسیار شدید حجم تولیدات در اروپا، آمریکا و بطور کلی کشورهای صنعتی OECD و همچنین افزایش بسیار شدید تولیدات در اوپک و به ویژه در پنج کشور اصلی خلیج فارس است.

خلیج فارس از ۱۶ میلیون بشکه صادرات در روز، حدود نیمی از واردات جهانی نفت خام را تأمین می‌کند. سهم آمریکا از واردات جهانی نفت خام حدود ۲۶/۸ درصد است و تولیدکنندگان خلیج فارس، حدود ۲۲ درصد این واردات را تأمین می‌کنند. سهم اروپای غربی از واردات جهانی نفت خام حدود ۲۴/۲ درصد است و ۳۶ درصد آن توسط خلیج فارس تأمین می‌شود واردات نفت خام ژاپن حدود ۱۳ درصد واردات جهانی نفت خام را تشکیل می‌دهد و ۷۸ درصد واردات این کشور از خلیج فارس تأمین می‌شود.

جدول ۶ سهم حوزه‌های بزرگ مصرف نفت خام در واردات جهانی نفت و نیز سهم خلیج فارس در تأمین این واردات را نشان می‌دهد.

جدول ۶. سهم مصرف‌کنندگان عمده نفت خام در واردات جهانی نفت و سهم خلیج فارس در تامین آن

واحد به درصد

پایان سال ۲۰۰۰

نام کشور	سهم واردات جهانی نفت خام	سهم خلیج فارس در تامین این واردات
ایالات متحده آمریکا	۲۶/۸	۲۲
اروپای غربی	۲۴/۲	۲۶
ژاپن	۱۳	۷۸
چین	۴/۲	۲۳

منبع: «اوپک و منافع ملی»، فصلنامه مجلس و پژوهش، شماره ۳۴، ص ۱۹۸.

از آمار جدول شماره ۶ استنباط می‌گردد که آمریکا بیشترین سهم از واردات جهانی نفت خام را دارا است، اما از کمترین وابستگی به نفت خام وارداتی خلیج فارس برخوردار است. ترتیب وابستگی ایالات متحده آمریکا به واردات نفت خام از حوزه‌های اصلی تولید به شرح زیر است: آمریکای مرکزی و جنوبی ۲۳ درصد، کانادا ۱۵ درصد، غرب آفریقا ۱۲ درصد، مکزیک ۱۲ درصد و اروپای غربی ۸ درصد. همانطور که مشاهده می‌شود سیاست آمریکا در تنوع عرضه نفت خام وارداتی بسیار موفق بوده است. وابستگی اروپای غربی به واردات نفت خام از حوزه‌های اصلی تولید عبارت است از: خلیج فارس ۳۶ درصد، روسیه ۲۴ درصد و شمال آفریقا ۲۰ درصد.

آنچه مسلم است، تنوع بخشی به منابع عرضه نفت خام برای تامین امنیت عرضه، مستلزم بهره برداری همزمان از حوزه‌هایی است که هزینه‌های اکتشاف بسیار پایین و تولید بسیار بالا دارند و این امر، یکی از دلایل اصلی تغییر پذیری شدید قیمت نفت خام است.

راهبردهای بلند مدت نفت ایران

وابستگی ایران همانند بسیاری دیگر از کشورهای نفتی تک محصولی، به عملکرد بخش نفت بدان میزان است که نگاهی به سهم تولید ناخالص داخلی کشور از این بخش در سالهای متمادی گذشته تاکنون و (حدود ۱۶٪ برای دو دهه گذشته)، گویای نیاز وافر همه بخشهای دیگر اقتصاد به ادامه حیات و توسعه این بخش است. بررسی نظری بر سهم درآمدهای عمومی بودجه سالانه و درآمدهای ارزی کشور، بیانگر وابستگی به ترتیب ۵۱-۵۵ درصد و ۷۵-۸۰ درصد است که با اضافه کردن نیاز ۹۸ درصدی تأمین انرژی کشور از این صنعت، حیاتی بودن صنعت نفت برای کشور ایران روشن می‌گردد، صنعتی که مصرف جهانی از محصولات صادراتی آن (نفت و فرآورده‌های نفتی) طی سالهای ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۰ میلادی ۸۷٪ رشد داشته است و در بعد مصرف جهانی انرژی، جایگاه ۴۵/۷ درصدی خود را طی بیست و پنج سال اخیر با کاهش ۶/۱ به ۳۹/۶ درصد تقلیل داده است.

هر چند رشد تقاضای جهانی رو به کاهش است، اما به علت امکان تأمین نفت به همین میزان کم، انتظار مصرف‌کنندگان جهانی به تأمین و عرضه نفت بیشتر متوجه تولیدکنندگان سنتی از جمله ایران است.

بخش نفت ایران با قدمت طولانی خود به‌عنوان یکی از صنایع معتبر نفتی منطقه و جهان شناخته شده است؛ گرچه به‌علت ساختار و حمایت دولتی خود در طی سالهای پس از ملی شدن (پنجاه و دو ساله اخیر) همیشه از عوارضی نظیر آنچه در ذیل می‌آید رنج برده است.

بوروکراسی شدید، عدم ارتقای کیفی نیروهای انسانی در سطوح مختلف تامدیریت، عدم برخورد رقابتی و اقتصادی در بازارهای داخلی فروش فرآورده‌ها و محصولات و خدمات فنی، کم بها بودن تحقیق و پژوهش در جریان تصحیح سازی و سیاست‌گذاریهای صنعتی و خدماتی، عدم اطمینان به نیروهای کارآمد صنعتی

خارجی به علت سوابق تلخ به جا مانده از حدود سه ربع قرن و رابطه نابرابر آنها با این صنعت در مقایسه با صنایع مشابه در کشورهای صنعتی، کشش‌های فراوان سیاسیون خارجی و داخلی به سیاسی جلوه دادن و سیاسی نمودن و در نهایت کند و یا متوقف نمودن اقدامات اساسی در این صنعت، حاکمیت مقررات، ضوابط و ساختار قدیمی در اداره امور این صنعت؛ اعم از فعالیتهای صنعتی، خدماتی، اداری، مالی و تجاری - به گونه‌ای که نیل به اهداف داخلی و بین‌المللی را معمولاً با تأخیرهای طولانی همراه می‌کند - حاکمیت برخی قوانین بر این صنعت، که اگر چه هر یک در مقطع زمانی وضع خود، دلایلی منطقی، و قابل قبول داشته‌است، ولی به مرور زمان و به علت رفع ضرورتها از عاملی به‌عنوان تسریع در انجام امور به تسریع در ارتقای کمی و کیفی در این صنعت تبدیل شده‌است.^۱

آمار و ارقام، بیان از این حقیقت دارد که با توجه به میزان ذخایر نفتی حاصله که حدود ۸۹-۱۳۰ میلیارد بشکه است، ایران می‌تواند به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان عمده نفت خام و تأمین‌کننده قسمتی از نیاز جهانی، با استفاده از این انرژی باشد.

ظرفیت تولید ۴/۲ میلیون بشکه ای ایران نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی برای رسیدن به توان تولیدی ۴/۵ میلیون بشکه‌ای تا دو سال دیگر و ۸ میلیون بشکه‌ای در ۱۷ سال آینده (سال ۲۰۲۰) امری قابل تحقق است. ایران به دو دلیل نایستی نگران کاهش قیمت‌ها به علت افزایش عرضه اعضای اوپک و یا تولیدکنندگان غیر اوپک باشد. الف) افزایش توان تولید عامل بازدارنده‌ای برای سایر تولیدکنندگان که به دنبال تخریب روند بازار برای تغییر سهم خود در بازار می‌باشند، خواهد بود.

ب) زمانی که بازار به دلایل غیرقابل پیش‌بینی با کاهش عرضه سایر تولیدکنندگان روبرو گردد و یا عملاً با افزایش تقاضا بیش از ارقام پیش‌بینی شده به

۱. حجت‌الغنی‌فرد، عضو هیات علمی دانشگاه صنعت نفت و مدیر اداره بین‌الملل شرکت نفت ایران، همشهری ۱۴ آبان ۱۳۸۲، ص ۷.

دلایل مختلف از جمله رونقهای اقتصادی دوره‌ای، مواجهه شود.

حفظ توان تولیدی که مازاد آن به شرط عضویت در اوپک، تابع محدودیتهای ایجاد شده خواهد بود، برای ایران هزینه‌ای را دربرخواهد داشت. اما سابقه سی ساله تاریخ نفت نشان داده‌است، این هزینه‌ها که تراکم آنها برای چندمین سال به میلیارد دلار بالغ خواهد شد، در اولین فرصت عرضه که تأمین تقاضای جهانی دلیل آن خواهد بود؛ نه تنها جبران می‌شود، بلکه سود بازگشت، سرمایه مناسبی را هم ایجاد می‌نماید.

برای رسیدن به توان تولیدی ذکرشده در سالهای آینده موارد زیر باید به مورد اجرا درآید.

۱. اصلاح ساختاری داخل سازمانی در صنعت نفت.

۲. مقررات زدایی و آزادسازی در بخشهای مختلف صنعت نفت را هر چه سریعتر آغاز و حداکثر طی پنج سال کاملاً عملی نماید.

۳. به ترتیب برای خصوصی‌سازی صنایع پایین دستی، جانبی، تبدیلی و نهایتاً در بلندمدت بالادستی اقدام نماید. خصوصی‌سازی در صنایع بالادستی به معنای خصوصی نمودن مالکیت نفت خام در حوزه‌های نفتی نیست.

۴. مقررات مربوط به پذیرش صاحبان سرمایه تکنولوژی و مدیریت داخلی و خارجی را متنوع نموده و با توجه به پهنای سرزمین ایران، مناطق صعب‌الوصول نفت را با شرایط ساده‌تری به مناقصه بگذارد.

۵. اگرچه مقررات زدایی برای دولتهایی که از درآمدهای عظیم نفت بهره‌مند می‌گردند - تا امور کشور را جریان دهند - امری مشکل و قبل از آنکه اقتصادی باشد، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است، اما، به منظور عدم احیای «دولت محوری» بر صنعت نفت، قوانین غیر بودجه‌ای و سالانه وضع می‌گردد که صنعت نفت کشور را ضمن متعهد نمودن به تأمین کافی وجوه مورد نیاز خزانه کشور، فارغ از ضوابط

ومقررات قدیمی، کهنه و بوروکراتیک، فعلی نماید و قوانینی که چنین محدودیتهایی را وضع می‌کند باید هدفش بین‌المللی کردن همه ابعاد صنعت نفت ایران باشد.^۱

ایران و دبیرکلی اوپک

براساس تعریف مندرج در کتاب اطلاعات کلی منتشره توسط دبیرخانه اوپک، «دبیرکل اوپک نماینده رسمی و قانونی سازمان و رئیس اجرایی دبیرخانه اوپک است.» وی امور سازمان را طبق خط مشی‌های هیأت عامل اداره می‌کند. دبیرکل اوپک باید به اتفاق صددرصد آرای وزرای نفت کشورهای عضو این سازمان انتخاب و از سوی کنفرانس اوپک برای یک دوره سه ساله انتخاب شود، این مدت برای یک دوره سه ساله دیگر نیز قابل تمدید است. این انتخاب براساس نام‌نویسی نمایندگانی که از سوی کشورهای عضو معرفی می‌شوند، پس از مطالعه جامع در خصوص مشخصات نامزدها صورت می‌گیرد. در صورتی که اعضا به یک تصمیم واحد نرسند، دبیرکل براساس برنامه چرخشی برای یک دوره دو ساله بدون تعصب، نسبت به وجود خصوصیات مورد نیاز برای احراز این پست انتخاب می‌شود.

دوران دبیرکلی اوپک را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره اول از زمان تاسیس این سازمان تا پیروزی انقلاب اسلامی و دوره دوم: از زمان بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تا کنون. از زمان تأسیس سازمان اوپک در سال ۱۹۶۰ میلادی و پس از ۱۸ دوره انتخاب دبیرکل برای این سازمان، ایران فقط یک بار، آن هم در اولین دوره (از بیست و یکم ژانویه سال ۱۹۶۱ تا سی آوریل سال ۱۹۶۴) به‌عنوان اولین دبیرکل اوپک توانست این پست را نصیب خود کند.

در دوره اول، دبیرکل اوپک بر مبنای حروف الفبای نام کشورهای مؤسس و سپس کشورهای غیرمؤسس معرفی و مشغول به کار شد. وزرای نفت اوپک پس از

اتمام دوره اول و همزمان با بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به بحث در باره تکرار روند چرخشی انتخاب دبیرکل پرداختند که در آن صورت نوبت دبیرکلی به ایران می‌رسید اما به دلیل جنگ بین ایران و عراق، کشورها عربی با دادن پست دبیرکلی به ایران مخالفت کردند. و در سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۸، فاضل‌الچلیبی تبعه عراق به‌عنوان قائم مقام دبیر کل اوپک، دبیرخانه را اداره کرد. «پس از پایان جنگ و امضای قطعنامه» سازمان ملل، ایران وارد فضای جدیدی شد و دبیر کلی اوپک را مستحق خود می‌دانست؛ اما برخلاف آنچه در این مورد در داخل کشور جریان داشت، در درون اوپک و در جلسات این سازمان ایران به شکل جدی، در پی گرفتن حق خود نبود. در سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴، دبیرکل اوپک خارج از حوزه خلیج فارس (دکتر سوپروتو از اندونزی) دبیرخانه اوپک را اداره کرد. در طول این مدت کشورهای عرب اعتقاد به یک نوع چرخه براساس حروف الفبایی داشتند در صورتی که ایران معتقد به اجرای برنامه چرخشی مانند دوره اول بود، لذا اعضای اوپک در پذیرفتن دیدگاههای یکدیگر به توافق نرسیدند و مباحث در این خصوص متوقف شد. هر چند که اگر ایران از پیشنهاد چرخه تاریخی خود صرف نظر می‌کرد و پیشنهاد کشورهای عرب را می‌پذیرفت، بالاخره بعد از چند دوره، پست دبیرکلی نصیب ایران می‌شد و همه کشورها یک دوره دبیرکلی داشتند.

نکته قابل توجه این است که در دوران جنگ تحمیلی و حتی پس از آن، تفکر انتخاب دبیرکل اوپک خارج از منطقه خلیج فارس براین سازمان حاکم شده است و حتی در دوره قبل نیز با وجود اینکه ایران، عربستان و عراق کاندیداهایی را معرفی نمودند اما ونزوئلا توانست دبیرکلی اوپک را دور از انتظار همگان از آن خود کند.

به نظر می‌رسد که با توجه به سهم تولید نفت خام کشورهای حوزه خلیج فارس در تولید جهانی، زمان تصدی دبیرکلی اوپک توسط کشورهای تولیدکننده نفت خلیج فارس فرا رسیده است و دبیرکل اوپک باید از میان این کشورها انتخاب گردد.

سؤال اساسی که در مورد دبیرکل اوپک مطرح است، عبارت از آن است که دبیرکل باید چه خصوصیتی داشته باشد و اصولاً انتخاب وی از کشور ایران چه مزیتی برای ما در بر دارد؟ دو سؤال فوق را می‌توان با استناد به عقیده کارشناسان مسائل اوپک پاسخ گفت: «نامزد شایسته فردی است که نه تنها با صنعت نفت آشنایی کامل داشته‌باشد، بلکه توان مذاکره با تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نفت دنیا اعم از کشورهای عضو و غیر عضو اوپک و رؤسای جمهوری کشورها را داشته‌باشد؛ مسلط به زبان انگلیسی و در عرصه مباحث بین‌المللی نفت مطرح باشد. فرد شایسته باید توانایی مدیریت این سازمان و نزدیک کردن دیدگاهها را داشته‌باشد تا از بروز تنش در بین اعضا جلوگیری کند و اما در مورد سؤال دوم، انتخاب دبیرکل اوپک از ایران نه تنها ارتقای وجهه ایران در عرصه بین‌المللی را به دنبال دارد، بلکه اداره دبیرخانه اوپک به دست طرفداران سیاست قیمت می‌افتد، لذا تحقیقات در دبیرخانه به این سمت هدایت می‌شود.

در پایان آخرین اجلاس سازمان اوپک، آقای زنگنه وزیر نفت، انتخاب دبیرکل اوپک براساس حروف الفبا را مطرح نمود که با مخالفت وزیر نفت اندونزی روبرو شد. براساس اعتقاد وی، انتخاب دبیرکل باید به اتفاق آرا صورت گیرد. برخی از کارشناسان معتقدند، در مقطع فعلی با به‌کارگیری نظام مدیریت الفبایی، ممکن است که افرادی با شایستگی لازم انتخاب نشوند و انسجام موجود در اوپک از هم بپاشد. در اجلاس ۴ دسامبر سال جاری (۱۳ آذر ماه ۱۳۸۲) ایران، کویت و ونزوئلا نامزدهای خود را برای احراز پست دبیر کلی اوپک معرفی نمودند که حمایت بی‌چون و چرای آنان از نامزدهای خود موجب گردید تا وزیر انرژی اندونزی به طور موقت این سمت را بر عهده گیرد. ایران نیز پس از چهل سال در اجلاس مذکور نیز از حمایت دیگر اعضا برخوردار نشد.

ایران و اوپک: ماندن یا رفتن

در همایش حداکثرسازی درآمد نفت که در مهر ماه گذشته برگزار شد، مشاور وزیر نفت (دکتر مسعود نیلی) و مشاور مرکز پژوهشهای مجلس (دکتر درخشان) یکی از راههای حداکثرسازی درآمدهای نفتی در ایران را خروج از سازمان اوپک دانستند. به اعتقاد آنها خروج از اوپک و پیش گرفتن سیاست نروژ یکی از راههایی است که حداکثر کردن درآمد نفت را میسر می‌کند؛ چرا که سیاستی که اکنون مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان عمده نفت در سطح جهان اتخاذ کرده‌اند، عبارت است از حرکت به سمت عرضه مطمئن.

با توجه به اینکه ظرفیت تولید نفت ایران در سال ۱۳۹۴ به مرز ۶ میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز می‌رسد و از آغاز تاریخ نفت ایران تاکنون، تنها یک سوم نفت ایران برداشت شده است و هنوز مخازن عظیم و گسترده هیدروکربوری در ایران وجود دارد که در سالهای آینده به تولید خواهد رسید. طرفداران خروج ایران از اوپک معتقدند:

«خروج ایران از اوپک به هیچ وجه دارای جوانب منفی نیست، زیرا اولاً کارتل‌های اقتصادی خلاف اقتصاد بازار آزاد است، لذا ایران با خروج خود اعلام خواهد کرد که خواهان بازاری آزاد در صحنه نفت است و ثانیاً از آنجا که کشورهای جهان مایل به امنیت عرضه می‌باشند، لذا خروج ایران ضربه‌ای به بازار وارد نخواهد کرد.

سیاست اوپک در دهه‌های اخیر به نفع کشورهای غیر اوپک تمام شده است، به صورتی که، اکنون کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی (OECD) با دارا بودن تنها ۸ درصد ذخایر نفت جهان در حد اوپک که دارای ۶۷ درصد ذخایر نفت است، تولید می‌کنند. اتخاذ سیاست سهم بندی و کاهش تولید از جمله دلایل اصلی کاهش سهم اوپک در تولید جهانی نفت است. هرگاه قیمت نفت روبه فزونی نهاد، این

کشورهای اوپک بودند که با کاهش تولید، قیمت‌ها را متعادل کرده‌اند و در این میان کشورهای غیر اوپک نیز از این سیاست بهره برداری کردند.»

ساختار تولید در کشورهای غیر اوپک به شیوه ای است که دارای هزینه بالایی است؛ حال آنکه ساختار تولید در کشورهای نفت خیز خاورمیانه از هزینه تولید بسیار پایینی برخوردار است.

لذا تنها در صورت افزایش قیمت‌ها است که برای کشورهای غیر عضو صرفه اقتصادی دارد تا در صحنه حضور داشته باشند و این دقیقاً از سیاست‌های اوپک است. از طرفی مشاور عالی وزیر نفت در امور اوپک (کاظم پور اردبیلی) در رد این پیشنهاد معتقد است که اوپک تعیین کننده قیمت در جهان و غیر اوپک تعیین کننده سهم بازار است. اینکه بتوان سهمیه را افزایش داد، بستگی به عوامل متعددی نظیر؛ ذخایر کشورها، امکان سرمایه‌گذاری و ظرفیت سازی و بالاخره رقابت کردن با سایر انواع انرژی دارد. در حقیقت اوپک از رانتهی استفاده می‌کند که ناشی از پایین بودن هزینه تولید نفت در بین اعضاست؛ به طوری که با هزینه تولید ۲ تا ۳ دلار، تا قیمت ۲۵.۳۰ دلار برای کشورهای عضو اوپک سود است، در حالی که کشوری که هزینه تولید ۱۲ دلار را تحمل می‌کند، سود کمتری عایدش می‌گردد؛ لذا اوپک نسبت به نفت آلاسکا و دریای شمال دارای مزیت بیشتری است.

به عقیده مشاور وزیر نفت در امور اوپک، می‌توان در اوپک باقی ماند و سپس وارد مذاکرات شد و سهمیه کشور در اوپک را به موازات افزایش تولید، افزایش داد. بر اساس نظریات عضو کمیسیون انرژی در مجلس (عبدالله سهرابی)، ایران یکی از ارکان و بنیان‌گذاران اوپک محسوب می‌شود و این سازمان از معدود سازمانهایی است که توسط کشورهای جهان سوم اداره می‌شود و صاحب قدرت است. البته این قدرت منوط به اقتدار اعضا می‌باشد (مثلاً با خروج ایران و عراق، قدرت این نهاد، رو به ضعف می‌گراید). وی ضررهای خروج از اوپک را از دو بعد ملی و منطقه‌ای نگریسته و معتقد

است که این نهاد می‌تواند از ایران و از تولیدکنندگان در مقابل مصرف‌کنندگان - که بیشتر قدرتهای صنعتی هستند - حمایت کند.

نتیجه‌گیری

۱. از بحران ۱۹۹۸ تاکنون، اوپک تا حد زیادی در تثبیت قیمت بین ۲۲ تا ۲۸ دلار موفق بوده است.

۲. تولید اوپک در بازار نفت در چهار سال گذشته روند نزولی داشته است و در چند سال آینده، نیز به مقدار بیشتری کاهش خواهد یافت.

۳. ورود عراق به بازار نفت و افزایش تولید این کشور از یک طرف و افزایش ظرفیت تولیدی کشورها از طرف دیگر، وضعیت آینده اوپک را در بازار آشفته‌تر نشان می‌دهد.

۴. محدوده قیمتی اوپک که ۲۲ تا ۲۸ دلار است، در بلندمدت دوام نخواهد داشت.

۵. زمان آن فرا رسیده است که کشورهای عضو اوپک در اهداف و اولویتهای خود تجدید نظر کنند تا بتوانند در آمد خود را در آینده به حداکثر برسانند.

۶. وابستگی شدید اقتصاد ایران به نفت، ضروری بودن برنامه‌های بلند مدت افزایش توان تولید در کشور را غیر قابل اجتناب نموده است.

۷. نیاز آینده جهان به تولیدات نفتی و امکان تامین بخشی از آن توسط تولید نفتی ایران انکار ناپذیر است. لذا، نیاز شدید به مدیریت کارا و جهان‌نگر به منظور بهره‌برداری بهینه از این ماده حیاتی ضروری است.

۸. سازمان اوپک نیاز به اصلاحاتی در درون خود دارد تا بتواند انتظارات اعضای خود را با توجه به مقتضیات روز برآورده نماید. عدم توجه این سازمان به حقوق اعضا،

سبب واگرایی در درون سازمان می‌شود.

راهکارها و پیشنهادات

۱. سیاست فعلی اوپک مبتنی بر افزایش قیمت نفت است و سیاست غیر اوپک مبتنی بر افزایش سهم بازار است.

استدلال اوپک در دوره سیاست قیمتی فوق بدین صورت است؛ برای مثال اگر قیمت نفت به ۱۲ دلار برسد، بسیاری از کشورهای غیر اوپک به دلیل هزینه بالای تولید، به تولید ادامه نخواهند داد. در این صورت سهم اوپک در بازار به جای ۳۵ درصد فعلی به ۶۰ درصد افزایش خواهد یافت. اما در عوض اوپک بابت هر بشکه نفت ۱۵ دلار را از دست می‌دهد تا بتواند ۶۰ درصد سهم بازار را داشته باشد.

۲. ظرفیت تولید نفت ایران ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز است و سهمیه ایران در اوپک، حدود ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه است، بنابراین، اگر ایران از این سازمان خارج شود، به سبب تغییر و تحولات بازار و نوسانات قیمت‌ها نمی‌تواند در بلند مدت موفق عمل کند و تنها در کوتاه مدت جوابگو خواهد بود. از طرفی، با عنایت به این موضوع که در حال حاضر ایران در تحریم اقتصادی به سر می‌برد، لذا خروج از اوپک می‌تواند مشکلات فراوانی را به وجود آورد. لذا به نفع کشور است که در سازمان اوپک باقی بماند و در مورد افزایش سهمیه خود مذاکرات جدی را در پیش گیرد و به جای طرح مسئله خروج از اوپک، باید اوپک را وادار سازد تا در سیاست‌های فعلی خود تغییراتی را به وجود آورد.

۳. اوپک همانند سایر سازمانها و نهادهای بین‌المللی نیازمند تغییرات اساسی و اصلاحات ساختاری است تا قادر به انجام وظایف سنگین خود باشد. بدین جهت انسجام بیشتر بین اعضا و تنش زدایی بین آنها بیش از هر زمان دیگری احساس

می‌شود و ایران به‌عنوان پرچمدار گفتگوی تمدن‌ها باید این نقش را در همسویی و همگرایی اعضای اوپک ایفا کند.

۴. در حال حاضر تعیین قیمت نفت بر مبنای نفت دریای شمال به نام برنت و نفت وست تگزاس است که تولید آنها بخش کوچکی از نفت جهان را تشکیل می‌دهد در حالی که منطقه خاورمیانه و به‌خصوص، حوزه خلیج فارس به لحاظ کمی بزرگترین منطقه صادرکننده نفت در جهان است و ازسویی بزرگترین ذخایر جهان در این منطقه قرار دارد. لذا به جای شعار انحلال اوپک با انسجام هرچه بیشتر، میان اعضای قیمت‌گذاری را به منطقه خلیج فارس آورند.

۵. به دلیل حضور کمپانی‌های نفتی و واسطه‌های نفتی، سهم سودی که عاید کشورهای تولیدکننده می‌شود، ناچیز است، بنابراین با اقتدار اوپک می‌توان سود کمپانی‌ها را کاهش و درآمد تولیدکنندگان را بیشتر نمود.

۶. اعضای اوپک باید اقتدار آن را داشته باشند که نه تنها نفت خود را اکتشاف و استخراج و صادر نمایند، بلکه به‌طور مستقل حمل و نقل و فروش مستقیم آن به کشورهای مصرف‌کننده را برعهده گیرند و این مهم میسر نخواهد شد مگر با انسجام و همگرایی بین اعضای اوپک.

۷. در جلسه ۴ دسامبر (۱۳ آذر) تعدادی از وزیران نفت عضو قصد داشتند که به حمایت از قیمت ۳۰ دلار برای هر بشکه حمایت کردند و نهایتاً مقرر گردید کاهش تولید نفت به اواسط زمستان سال جاری موکول گردید. از طرفی طبق پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) میزان تولید نفت کشورهای غیر اوپک برای سال ۲۰۰۳ را حدود ۴۹ میلیون بشکه نفت در روز عنوان کرد. این میزان تولید، سیصد هزار بشکه کمتر از میزان پیش‌بینی این آژانس در آغاز سال است. اما براساس پیش‌بینی این آژانس، رشد عرضه نفت کشورهای غیر عضو اوپک ۱/۴۵ میلیون بشکه در روز

است؛ اما از آنجایی که به دلیل بی‌ثباتی داخلی کشورهای تولیدکننده‌ای مانند روسیه، چاد، آنگولا، قزاقستان و کلمبیا، ممکن است در عرضه نفت اختلال بوجود آید؛ ایران باید فرصت را مغتنم شمرده و در اجلاس آتی، در مورد افزایش سهمیه خود به چانه‌زنی بپردازد.



کتابنامه:

۱. درخشان، مسعود. داویدک و منافع ملی. مجلس و پژوهش. شماره ۳ و ۴. ص ۱۹۰-۲۰۵.
۲. روحانی، فواد. تاریخ ادبیک ترجمه منوچهر روحانی. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی. ۱۳۵۴.
۳. غنیمی فرد، حجیت...، همشهری. آبان ماه ۱۳۸۲.
۴. فرشادگهر، ناصر. بررسی قدرت ادبیک در سیاست جهانی نفت. تهران: دانشگاه امام حسین. ۱۳۷۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شہباز گل شاہ علم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی